

## سیره پزشکان در ادبیات فارسی

نویسنده: اکبر کلاهدوزان<sup>۱</sup>

خلاصه:

مضامین متون ادب فارسی که برگرفته از آیات الهی و روایات معصومین (ع) می باشد در گستره زندگی فردی و اجتماعی انسانها تأثیر بسزایی دارد. از گفتار دانشمندان در این حوزه ی دانش بشری می توان به ارزش والای دانش پزشکی، حسن ارتباط پزشکان و بیماران و تأثیر اعتقادات دینی در علاج بیماران اشاره نمود. صفحات زرین ادب فارسی حاوی توصیه هایی است که می تواند اعتقاد، توکل و رازداری را در جامعه پزشکان تقویت نماید و راهگشای آنها در ارتباط با بیماران و اطرافیان باشد.

لذا در این مقاله سعی شده است گزیده ای از متون ادب فارسی که سیره پزشکان (اخلاق پزشکی) به نوعی در آن بیان شده است انتخاب گردد و از سه جنبه مورد بحث قرار گیرد:

الف) ارتباط پزشکان با خداوند و تأثیر آن در تشخیص و علاج بیماری

ب) ارتباط پزشکان با بیماران

ج) ارتباط پزشکان با سایرین و اهمیت اطرافیان در علاج بیماران  
امید است با مطالعه این تحقیق پزشکان محترم با مسئولیت الهی خویش بیشتر آشنا شده و بیماران نیز حقوق آنها را محترم شمارند.

کلمات کلیدی: اخلاق پزشکی، ادبیات فارسی، بیمار

مقدمه

آن قداست خاصی به این حرفه بخشیده اند. از این رو مطالب فراوانی در خصوص اخلاق پزشکی در متون ادب فارسی به چشم می خورد.

از این رهگذر ضروری است با غوطه ور شدن در دریای بیکران ادب فارسی به این گوهرهای ارزنده دست یابیم و غنای فرهنگی این مرز و بوم را بر همگان به ویژه پزشکان جوان روشن سازیم و از سوی دیگر بتوانیم با به کارگیری آن نوید بخش پویایی و سلامت برای جامعه ی خویش باشیم.

نام اغلب شعرا و نویسندگان در گستره ی پهناور زبان و ادبیات فارسی با لقب "حکیم" مزین است. در قدیم حکیم به کسی گفته می شده است که بر تمام علوم زمان خود از جمله ریاضی، فلسفه، ادبیات، نجوم و طب تسلط داشته باشد. لذا شاعران و نویسندگان پیوسته به موضوع "طب" اهمیت داده و در متون ادب فارسی از دو جنبه ی روانی و جسمانی با زبان قلم و با کمال دقت به علم پزشکی پرداخته اند. این فرهیختگان، دانش پزشکی را با مفاهیم عمیق سرشار آداب اسلامی در آمیخته و در بیان مضامین

طب و تریک

۹۸

زمستان ۸۳ / شماره شانزدهم

۱- مربی گروه ادبیات فارسی - معاون آموزشی دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی

## اکبر کلاهدوزان

### اهمیت دانش پزشکی

درباره‌ی جایگاه ارزشمند دانش پزشکی همین بس که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: العلم علما، علم الادیان و علم الابدان<sup>۱</sup> (۲۰). این نکته حائز اهمیت است که اطلاق کلمه‌ی علم فقط به علم دین و پزشکی اختصاص یافت و علوم دیگر به عنوان فضل و برتری مورد توجه است. لذا شایسته است قداست این حرفه‌ی مقدس را همراه با معرفت دینی تقدیس کرده تا طبابت و عبادت توامان گردد. در این راستا حکیم نظامی گنجوی که خود به دانش پزشکی آگاهی دارد در سفارشی به پسرش می‌گوید<sup>۲</sup>. (۳)

پیغمبر گفت علم علمان

علم الادیان و علم الابدان

در ناف دو علم بوی طیب است

وازه دو فقیه یا طیب است

می‌باش طیب عیسوی هش

اما نه طیب آدمی کش

می‌باش فقیه طاعت اندوز

اما نه فقیه حیلت آموز

گر هر دو شوی بلند گردی

پیش همه ارجمند گردی

### اهمیت نقش پزشک و جایگاه طبابت در دین مبین اسلام

پزشک در جامعه اسلامی از جایگاه رفیع و با ارزشی برخوردار است. در گفتار بزرگان دین این حرفه و کسانی که دست اندرکار این پیشه باشند ستوده شده‌اند. برای وضوح مطلب به روایات زیر اشاره می‌شود.

حضرت صادق (ع) فرمودند: مردم در کارهای دنیا و آخرت خویش به سه کس نیازمندند. اگر فاقد آنها شدند در زندگی خود مردمی بی‌تدبیر خواهند بود. آن سه کس عبارتند از:

۱- فقیهی دانشمند و پرهیزکار (فقیه عالم و رع)

۲- امیر یا فرمانروایی که به فرمانش گردن نهند (امیر خیر مطاع)

۳- پزشکی بصیر و مورد اعتماد (طیب بصیر و ثقه) (۱)

همچنین در روایات معصومین (ع) مضامینی از این قبیل به چشم می‌خورد.

سه چشم است که در آتش نمی‌سوزد: چشمی که برای حراست از مرزهای میهن اسلامی بیدار بماند.

چشمی که برای انابه و دوری جستن از گناهان گریه کند. چشمی که برای معالجه‌ی بیمار و اظهار همدردی بیدار باشد.

### ارتباط پزشکان با خداوند و تاثیر آن در تشخیص و

#### علاج بیماران

۱- توکل بر خداوند سبحان

۱-۱- داستان کنیزک و پادشاه

برای پرداختن به این موضوع می‌توان به داستان کنیزک و پادشاه اشاره کرد. لذا ضرورت دارد به عنوان مقدمه اصل داستان به طور مختصر بیان شود.

اصل داستان حکایتی است که به علی بن ربن، طیب ایرانی - که در نیمه‌ی قرن سوم مشهور بوده است - نسبت داده‌اند. برخی منابع این داستان را به ابو عبدا... بن مسلم بن قتیبه‌ی دینوری معاصر علی بن ربن نسبت داده‌اند، اما نظامی عروضی در کتاب چهار مقاله این داستان را مربوط به ابن سینا دانسته است. در این کتاب بیان شده است ابو علی سینا اینگونه طبابت را برای یکی از خویشان شمس المعالی قابوس بن وشمگیر انجام داده است. سید اسماعیل جرجانی از اطبای قرن ششم نیز در کتاب ذخیره‌ی

### ارزش اخروی دانش پزشکی

- در کتاب کلیله و دمنه در باب برزویه طیب در این زمینه چنین آمده است.

پوشیده نماند که علم طب نزد همه خردمندان در تمامی دین‌ها ستوده است و بهترین پزشکان آن است که معالجه بیماران را به جهت توشه آخرت انجام دهد. که به ملازمت این سیرت نصیب دنیا هر چه کامل تر بیابد و رستگاری عقبی مدخر گردد...<sup>۳</sup> (۴)

... به صواب آن لایق تر که بر معالجت مواظبت نمایی و به آن التفات نکنی که مردمان قدر طیب ندانند لکن در آن نگر که اگر توفیق باشد و یک شخص را از چنگال مشقت خلاص طلبیده آید آمرزش بر اطلاق مستحکم شود.<sup>۳</sup> (۴)

بازرسی  
۵۵ شماره ۵۵

خوارزمشاهی این شیوه ی درمان را به ابن سینا نسبت داده است. آغاز داستان از اینجا شروع می شود (هو عو ۷)  
پادشاهی به قصد شکار به بیرون شهر رفت. در بین راه کنیزکی زیبا چهره دید و عاشق او شد. وی را خریداری کرد ولی به محض اینکه شاه از دیدار او بهره گرفت کنیزک بیمار می شود. پادشاه طبیبان را خبر می کند و برای معالجه کنیزک به آنان و عده ی زر و سیم می دهد پزشکان نیز به خاطر خودنمایی و غلبه ی حب جاه از علاج بیمار سخن به میان می آورند و از عجز بشر و قدرت خداوند غافل ماندند. در اینجا مولانا اشاره ای دقیق دارد. این طبیبان از یاد خداوند غافل بودند البته نه به خاطر آنکه الفاظی از قبیل ان شاء... و یا لا حول و لا قوه الا با... را بر زبان نیاوردند بلکه به خاطر عدم ادراک این حقیقت که موثراصلی وجود ذی جود باری تعالی می باشد. (۷.۶.۵)

ترک استننا<sup>۲</sup> مرادم قسوتیست<sup>۳</sup>  
نی همین گفتن که عارض حالتیست<sup>۴</sup>

ای بسا ناآورده استننا بگفت

جان او با جان استنناست جفت

در این دو بیت شیوه ی توکل به ذات احدیت بسیار خوب بیان شده است. مولانا بر این نکته اصرار دارد که منظور از گفتن ان شاء الله با زبان و بدون اعتقاد قلبی کافی نیست و باید اعتقاد به قدرت حق برای طبیب اعتقاد قلبی و با تمام وجود باشد. لذا هر کدام از پزشکان به پادشاه گفتند برای درمان کنیز بسیار تلاش می کنیم و با یکدیگر همفکری می کنیم و به تلاش خودشان بیشتر از عنایت حضرت حق، اعتماد داشتند.

جمله گفتندش که جان بازی کنیم

فهم گرد آیم و انبازی کنیم<sup>۵</sup>

هر یکی از ما مسیح عالمی است

هرالم را در کف ما مرهمی است<sup>۶</sup>

به هر حال چون طبیبان مغرور و خودبین بودند و مشیت خداوند را نادیده گرفتند خداوند عجز و درماندگی آنان را به خودشان نشان داد<sup>۷</sup>.

گر خدا خواهد<sup>۸</sup> نگفتند از بطر<sup>۹</sup>

پس خدا بنمودشان عجز بشر

هر چند کردند از علاج و از دوا

گشت رنج افزون و حاجت ناروا

از قضا سرکگین صفر نمود<sup>۱۰</sup>

روغن بادام، خشکی می فرود

از هلیله<sup>۱۱</sup> قبض شد اطلاق رفت

آب آتش را مدد شد همچونفت

### ۱-۲- مداوای نزدیکان مامون توسط بختیشوع

بختیشوع یکی از نصارای بغداد بود. طبیعی حاذق بود و مرتب به خدمت مامون می رسید. یکی از نزدیکان مامون را اسهال افتاد. بختیشوع را بفرستاد تا معالجت او بکند. او انواع معالجت کرد، اما فایده ای نداشت. سرانجام از کار دست برداشت و نزد مامون خجل گشت. مامون به او گفت ما به قضای خداوند رضا داده ایم. بختیشوع چون مامون را مایوس دید گفت یک معالجت دیگر باقی ماند. اگر خدای باری تعالی راست آرد انجام می دهم. آن معالجت انجام داد و بیمار بهبود یافت. اطباء از او پرسیدند "این چه مخاطره بود که تو کردی" گفت "آخر در مسهل امید است و در نادادن هیچ امید نه، بدادم و توکل بر خدا کردم که او تواناست و باری تعالی توفیق داد و نیکو شد. (۸)

و طبیب اگر در شناختن علت در ماند بخدای عزوجل باز گردد و از او استعانت خواهد و اگر در علاج فروماند هم به خدای باز گردد و از او مدد خواهد که باز گشت هم بدوست.

### ۱-۳- توصیه به توکل به خداوند برای پزشکان

#### برگرفته از کتاب ذخیره خوارزمشاهی

این همه سببهاست که از بیرون تن او را از حال به حال می گرداند و یار می شود با سببهای تباه کننده که از اندرون اوست و تن او را فراز هم آورده اند از آن چنانکه یاد کرده آمد، لاجرم کوشیدن صورت را اندر نگاه داشتن این پیوند اثری نیست، پس به ضرورت چیزی بایست که این صورت را یاری دهد از بیرون تا قوت او تمامتر باشد و آن علم طب است که ایزد تعالی ارزانی داشته است و هر گاه که ایزد تعالی تقدیر کرده باشد که تنی را این اتفاق نیفتد که صورت با تدبیر طبی یار شود این پیوند میان مایه های



شفا به حاصل آمد. پس طبیب باید که نیکو اعتقاد بود و امر و نهی شرع را معظم دارد. (۸)<sup>۲۰</sup>

۲-۳- فضل بن یحیی بر مکی را بر سینه قدری برص پدید آمد. عظیم رنجور شد و گرما به رفتن به شب انداخت تا کسی بر آن مطلع نشود. جاثلیق هر گونه که در توان داشت به معالجت او برخاست ولی موثر نبود سپس گفت آنچه معالجت بود کردم هیچ اثر نکرد مگر پدر از تو ناخشنود است. پدر را خشنود کن تا من این علت (درد) از تو ببرم. فضل آن شب برخاست و به نزد یحیی رفت و در پای او افتاد و رضای او بطلبید و پدر راضی گشت، جاثلیق او را بهمان انواع معالجت کرد روی بهبودی گذارد و چندی بر نیامد که شفای کامل یافت. جاثلیق گفت من هر معالجتی بود انجام دادم سود نداشت با خود گفتم این مرد بزرگ لگد از جایی خورده است. بنگریستم هیچکس نیافتم که شب از تو ناخشنود و به رنج خفتی تا اینکه خیر یافتم که پدر از تو بیازرده است. من دانستم که از آن است این علاج بکردم. برفت و اندیشه من خطا نبود. (۸)<sup>۲۱</sup>

از اینجا مشخص می شود چقدر داشتن اعتقاد برای پزشکان می تواند در بهبودی بیماری موثر باشد. اگر تخصص پزشکان توأم با تعهد ایشان باشد خداوند نیز آنها را در تشخیص صحیح علاج بیماری کمک می کند. گاهی اوقات داشتن اعتقاد نیکو باعث می شود پزشکان بر خورد مناسبی همراه با اخلاق نیکو با بیماران داشته باشند و همین امر باعث بهبودی بیماری شود. چه زیباست پزشکی معلم اخلاق برای بیمار خویش باشد آن موقع دستورات پزشک در اعماق جان بیمار نفوذ کرده باعث می شود بیمار آن دستورات را بطور منظم و دقیق اجرا نماید.

#### ارتباط پزشکان با سایرین و اهمیت نقش توکل همراهان بیمار در علاج بیماری

توکل به خداوند از سوی همراهان بیمار بسیار ارزشمند است لذا توصیه شده است هرگاه به عیادت بیمار رفتید. سوره فاتحه را قرائت کنید و سپس شفای بیمار را از خداوند درخواست نمایید.

در داستان کنیزک و پادشاه در مثنوی چنین بیان شده است پادشاه پس از نومیدی از اسباب ظاهری به درگاه الهی روی می آورد

آن به تقدیر ایزد دیرتر بماند و چندانکه بماند این تن نیک حال تر باشد و تن درست تر، و اگر بیمار شود از بیماری آسان تر و زودتر بیرون آید. (۹)<sup>۲۲</sup>

#### ۲- داشتن تأیید الهی

پزشک باید دوستدار حق باشد تا خداوند او را در معالجه ی انواع امراض صعب العلاج راهنمایی کند. پزشک باید اعتقاد داشته باشد که خداوند قادر است او را در تشخیص بیماری بسیار کمک کند. در چهار مقاله ی نظامی عروضی در این خصوص چنین آمده است:

“طبیب تا مؤید نبود بتأیید الهی جید الحدس (تشخیص نیکو) نبود و هر که جید الحدس نبود به معرفت علت (بیماری) نرسد..... تا تأیید الهی به استصواب او همراه نبود فکرت مصیب (درست) نتواند بود. (۸)<sup>۲۳</sup>

#### ۳- داشتن اعتقاد نیکو

طبیان باید دارای اعتقادی راسخ به دستورات الهی باشند. برای روشن شدن مطلب دو نمونه از معالجت پزشکان در متون زیر آورده می شود.

۱-۳- از خواجه امام ابو بکر دقاق شنیدم که او گفت: در سال ۵۰۲ یکی از مشاهیر نیشابور را درد قولنج بگرفت و مرا بخواند. به معالجت او مشغول شدم و آنچه در این باب فراز آمد به جای آوردم. البته شفا روی نمود و سه روز گذشت. نماز شام به صورت ناامید باز گشتم بر آنکه نیمه شب بیمار در گذرد. درین رنج بختتم. صبحدم بیدار گشتم و شک نکردم که در گذشته بود. به بام بر شدم و روی به آن جانب آوردم و گوش فرا دادم هیچ آوازی نشنیدم. سوره فاتحه بخواندم و از آن جانب بدمیدم و گفتم: “الهی و سیدی و مولای تو گفته ای در کلام مبرم و کتاب محکم: “نزل من القران ما هو شفاء و رحمه للمؤمنین” (۱۰)<sup>۲۴</sup> و تحسر همی خوردم که جوان بود و منعم و متعم و کام انجامی تمام داشت. پس وضو ساختم و به مصلی شدم و سنت گذاردم. یکی در سرای زد. نگاه کردم همراه آن بیمار بود. بشارت داد که “بگشای” گفتم “چه شد؟” گفت “این ساعت راحت یافت” دانستم که از برکات فاتحه الكتاب بوده است و این شربت از داروخانه ربانی رفته است و این مرا تجربه شد. و بسیار جایها این شربت در دادم همه موافق افتاد و



و در عالم رویا متوجه طیب الهی می شود.  
هر که در مان کرد مرجان مرا

برد گنج و در و مرجان مرا<sup>۲۱</sup>  
لذا پادشاه به عنوان نزدیکان بیمار در نهایت، توکل به خداوند  
را چاره ساز می داند  
شه چو عجز آن حکیمان را بدید

یا برهنه جانب مسجد دويد<sup>۲۲</sup>  
رفت در مسجد سوی محراب شد  
سجده گاه از اشك شه پر آب شد  
ای همیشه حاجت ما را پناه  
بار دیگر ما غلط کردیم راه  
لیک گهتی گریچه مردانم سرت  
زود هم پیدا کنش بر ظاهر ت

پادشاه می گوید خداوند عالم اسرار و نهان است "انی اعلم  
غیب السموات و الارض و اعلم ما تبدون و ما بکنتم تکتمون"<sup>۲۳</sup>  
ولی از باب آنکه خودش فرموده مرابخوانید قال ربکم ادعونی  
استجیب لکم<sup>۲۴</sup> چنین تضرع کردم.  
چون بر آورد از میان جان خروش

اندر آمد بحر بخشایش بجوش<sup>۲۵</sup>  
در میان گریه خوابش در رود  
دید در خواب او که پیری رونمود

در اینجا به خوبی واضح است که اعتقاد به خداوند و توکل  
بر او از جانب نزدیکان بیمار چقدر در شفای بیمار موثر است.  
در علاجش سحر مطلق را بین

در مزاجش قدرت حق را بین<sup>۲۶</sup>  
چون رسید آن وعده گاه و روز شد  
آفتاب از شرق اختر سوز شد  
دید شخصی فاضلی پر مایه ای  
آفتابی در میان سایه ای ...

سپس بعد از ملاقات طیب الهی در ادامه داستان می فرماید.  
از خدا جویم توفیق ادب  
بر ادب محروم گشت از لطف رب<sup>۲۷</sup>

هر که بر پاکی کند در راه دوست

ره ز مرغان شد و نامرد اوست

از ادب پر نور گشتت این فلک

و از ادب معصوم و پاک آمد ملک  
در اینجا کاملاً روشن است که منظور از داشتن ادب در مقابل  
خداوند همان توجه و توکل به قدرت احدیت است.

### ارتباط پزشکان با بیماران

احسن بر خورد پزشکان و تاثیر آن در معالجه ی بیماران  
اولین بر خورد پزشک و بیماری یکی از حساس ترین مراحل  
معالجه است و پایه صحیح موفقیت در امر درمان همان بر خورد  
ابتدایی می باشد، اغلب بیماران به دلیل شناخت از مراتب علمی  
پزشک به وی مراجعه نمی کنند بلکه بیشتر به سبب علاقه و  
کشش عاطفی به فلان طیب مراجعه می نمایند. در بیشتر موارد  
وقتی درباره پزشکی، از بیمار سوال می شود بیمار به خصوصیات  
اخلاقی پزشک بیشتر از موارد تخصصی علمی او می پردازد. و  
صفات از قبیل داشتن تواضع، احترام به بیمار، در نظر گرفتن  
ارزشهای اخلاقی را در خصوص پزشک معالج خود یاد آور می  
شود. این اظهار صمیمیت بین بیمار و پزشک باعث می شود بیمار  
اطلاعات کافی در اختیار پزشک قرار دهد و موجب تشخیص  
صحیح بیماری از سوی پزشک گردد همچنین باعث افزایش  
اعتماد بیمار به پزشک معالج خواهد بود.

لذا در کتاب چهارمقاله نظامی عروضی در این خصوص  
چنین آمده است.

"ما طیب باید که رقیق الخلق، حکیم النفس و جید الحدس  
باشد... هر طیب که شرف نفس انسانی شناسد رقیق الخلق نبود.  
منظور از رقیق الخلق نرمی خوبی و مهربانی پزشک در برخورد  
و ملاقات با بیمار می باشد. (۸)

در جای دیگر اشاره دارد:

"طب صنعتی است که بدان صنعت صحت در بدن انسان  
نگاه دارند و چون زایل شود باز آرند و بیاریند او را..... به  
پاکی روی و خوشی بوی و گشادگی"<sup>۲۸</sup> (۸)

همچنین در کتاب قابوسنامه در باب "اندر ترتیب علم طب"  
چنین آمده است.

دید رنج و کشف شد بروی نهفت

لیک پنهان کرد و با سلطان نگفت

بیماری را متوجه شد اما آشکار نکرد. سپس برای رعایت رازداری در طبابت خطاب به سلطان گفت:

گفت: ای شه! خلوتی کن خانه را

دور کن هم خویش و هم بیگانه را<sup>۳۵</sup>

کس ندارد گوش در دهلیزها

تا برسم زین کنیزک چیزها

خانه خالی ماند و یک دیار نه

جز طیب و جز همان بیمار نه

در پندنامه اهوازی در باب رازداری پزشکان نیز چنین آمده است

طیب باید راز بیماران را محفوظ دارد و از افشای سر آنها در نزد خود و بیگانه و نزدیکان و دوران، دوری جوید. زیرا بسیاری از بیماران بیماری خود را از پدر و مادر و کسان خود مستور و مکتوم می‌دارند ولی آن را به طیب می‌گویند. پس طیب باید در کتمان بیماری از خود بیمار هم دقت بیشتری کند. <sup>۳۶</sup>(۱۲.۱)

### ۳- امانت و درستکاری

رعایت امانت و درستکاری در تمام حرفه‌ها پسندیده است اما در امور پزشکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا پزشک با عزیزترین چیزهای یعنی جان و سلامت جامعه و ناموس مردم در تماس می‌باشد. لذا با توجه به آنکه پزشک در معرض انحراف و لغزش قرار دارد پیوسته باید در نگهداری صفت پسندیده درستکاری در وجود خویش کوشا باشد.

در این خصوص سزاوار است به روایاتی از امام صادق اشاره کنیم. حضرت صادق فرمودند: مردم در کارهای دنیا و آخرت به سه کس نیازمند هستند.

یکی از آن آنها پزشک بصیر و مورد اعتماد (طیب بصیر و ثقه) است. <sup>۳۷</sup>

لذا حضرت امام صادق (ع) یکی از ویژگیهای پزشک خوب را مورد اعتماد در نظر گرفته اند.

### ۴- حضور پزشکان بر سر بالین بیماران در حکم عیادت

معالجه باید که وصایای بقراط خوانده باشد تا اندر معالجت شرط امانت و راستی بجای تواند آورد و پیوسته خویشتن پاک و جامه پاک و مطیب دارد و چون بر سر بیمار شود با بیمار تازه روی و خوش سخن باشد و بیمار را دلگرمی دهد که تقویت طیب بیمار را قوت حرارت غریزی بیفزاید <sup>۳۸</sup>(۱۱)

### ۲- رازداری پزشکان

بحث رازداری در سوگندنامه پزشکی نیز آمده است. و این مطلب نشانگر آن است که چقدر رازی داری پزشکان برای علاج بیماران ثمربخش خواهد بود.

من به خداوند تبارک و تعالی و قرآن کریم سوگند یاد می‌کنم و شرف و وجدان خویش را گواهی می‌گیرم که همواره در پیشه خود در راه پرهیزکاری و درستی گام برگیرم..... و بیماران از پدر آمده را دستگیر باشم و راز مریضان را با هیچ کس فاش نسازم. <sup>۳۹</sup>(۱۲و۱)

سپس در جایی دیگر آمده است:

من سوگند یاد می‌کنم که به احکام مقدس اسلام و حد حدود الهی با دیده احترام بنگرم از خیانت و تضییع حقوق بیماران به طور جدی پرهیز کنم، نسبت به حفظ اسرار آنان جز در مواقع ایجاب ضرورت شرعی پابندی کامل داشته باشم... <sup>۴۰</sup>(۱۲)

در روایات ائمه ی معصومین (ع) نیز بر این نکته تاکید شده است.

«من ستر علی مسلم ستر... علیه فی الدنيا و الاخره»

کسی که [عیب] مسلمانی را بپوشاند خداوند [عیب او را] در دنیا و آخرت آشکار نمی‌کند.

در داستان مثنوی نیز این نکته (رازداری) حائز اهمیت بوده است

آن طیب الهی تا با کنیزک روبه رو می‌شود پس از آنکه علامات ظاهری را مشاهده می‌کند متوجه بیماری کنیزک می‌شود اما آن بیماری را بر سلطان آشکار نمی‌کند.

گفت: هر دارو که ایشان کرده‌اند

آن عمارت نیست ویران کرده‌اند <sup>۴۱</sup>

برخبر بودند از حال دروز

استعینا... مما یفروز



از بیمار است.

بر اساس آنچه در اخبار و روایات در ثواب عیادت بیان شده مشخص می شود که منظور از عیادت دیدار مریض است بگونه ای که کمکی به او بشود، به عبارتی دیدار مریض بدون یاری رساندن به او در تهیه دارو، علاج بیماریش، رفع حاجاتش مصداق عیادت نیست. لذا دیدار پزشک پرستار و حضور آنها بر سر بالین بیمار مصداق صریح عیادت محسوب می شود، در روایتی از امام صادق (ع) در اصول کافی آمده است تعدادی قصد عیادت از بیماری داشتند حضرت به آنان فرمود میوه ای دارید. آنها اظهار داشتند نه. حضرت فرمودند آیا نمی دانید که مریض به هر چیزی که برایش ببرد احساس راحتی می کند و خشنود می شود.

تحقیقات نشان داده است حضور بر سر بالین بیمار، محبت کردن به او، کوچک شمردن بیماری، تلقین به سالم بودن بیمار در بهبودی بیمار بسیار موثر است.

گاهی اوقات بیماران مبتلا به امراض صعب العلاج بر اثر پختگی طبیب و تقویت روحی، تامین نیازمندیهای درمانی نگرانیهای آنها ترمیم یافته و از شدت بیماری کاسته می شود.

نمونه ای از عیادت حضرت رسول اکرم (ص) که به منظور دلجویی و تقویت روحی به مسلمانی که در بستر بیماری افتاده بود. حضرت به مسلمان فرمودند برای تو در بیماری سه فایده وجود دارد.

۱- بیاد خدای افتی. ۲- دعایت در این حال مستجاب می شود. ۳- بیماری تو کفاره گناهانت خواهد شد.

در اهمیت عیادت از بیماران ابیاتی در خصوص عیادت رسول اکرم (ص) از بیماران با این مضامین آمده است: (هو عو ۷) زنده شد او چون بیم را بدید

گوینا از دم مر اورا آفرید<sup>۲۸</sup>

تا مرا صحت رسید و عافیت

از قدوم او<sup>۲۹</sup> شه بر حاشیت

یاد در جایی دیگر خاقانی در تحفه العراقرین ویژگی های طبیب روحانی را در چهره خضر پیامبر (ع) چنین بیان می دارد<sup>۳۰</sup> (۱۴).

نزدیک من از سر ارادت

بنشست به عادت و عیادت

نالانی او تر توان دید

مجروحی روح ناتوان دید

دست کرم نهاد بر سر

لوازلنا بخواند بر

درد سر من سر زبانش

برد از دم درد سر نشانش

او کرد به کسرت اشارت

دیوار شکسته را عمارت

تا اینجا بیشتر در خصوص رعایت حقوق بیماران از طرف پزشکان و همراهان بیمار بیان شد. شایسته است مطلبی نیز از زبان سعدی در خصوص رعایت حقوق پزشکان آورده شود.

احترام گذاشتن به حقوق پزشکان

ملك زاده ای ز اسب ادهم فتاد

چو پیش فرورفت گردن به تن

بگردن درش مهره بر هم فتاد

نگشتی سرش تا نگشتی بدن

پزشکان بمانندند حیران درین

مگر فیلسوفی ز یونان زمین

سرش باز پیچید و رگ راست شد

و گروی نبود ز من خواست شد

دگر نوبت آمد به نزدیک شاه

نکرد آن فرومایه در وی نگاه

خردمند را سر فرو شد بشرم

شنیدم که می رفت و می گشت نرم

اگر دی نیچید می گردنش

نیچیدی امروز روی از منش

فرستاد تخم بدست رهی

که بایست بر عود سوزش نهی

ملك را یکی عطسه آمد ز دود

سر و گردنش همچنان شد که بود

بهدر از پر مرد بشاقتند

بجستند بسیار و کم یافتند

مکن گردن از شکر منعم میبچ

که روز پسین سر بر آری به هیچ

### نتایج و بحث و بررسی

از دیدگاه بزرگان ادب فارسی به ویژه مولانا طیب انسان

والایی است که با مایه گذاشتن از جسم و جان خویش برای درمان دردهای بیماران نهایت تلاش خویش را به کار می گیرد. از دیدگاه مولانا پزشک خوب فردی است که حقیقت انسان را با تمام زوایای آن شناخته و به معالجه امراض جسمی و روحی بیمار می پردازد. لذا شناخت گوهرهای ارزنده دریای بیکران ادب فارسی و ظرایف و دقایق آن راهگشای پزشکان مخصوصاً پزشکان جوان بوده، باعث رشد و سلامت جامعه می شود.

### فهرست منابع

- ۱- نفیسی، تاریخ اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۱.
- ۲- اصول کافی، تفسیر الاسلام کلینی، با ترجمه و شرح مصطفوی، ج تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)
- ۳- لیلی و مجنون، حکیم نظامی گنجه ای، به تصحیح و حواشی دستگردی، ج به کوشش حمیدیان، س تهران، انتشارات قطره ۱۳۸۰
- ۴- منشی، ن، کلیله و دمنه، توضیح و تصحیح مجتبی مینوی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲.
- ۵- مثنوی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، توضیحات و تعلیقات جامع و فهرست ها از استعلامی، م تهران، زوار، ۷۵-۱۳۷۴.
- ۶- شرح مثنوی شریف، تألیف بدیع الزمان ف، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۷- زمانی، ک، شرح جامع مثنوی معنوی، تهران، مؤسسه اطلاعات، ۱۳۷۲.
- ۸- نظامی عروضی، احمد بن عمر بن علی، به اهتمام دکتر معین م، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ۹- ذخیره خوارزمشاهی در کلیات طب، تألیف اسماعیل بن حسن الحسینی الجرجانی، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، ایرج افشار، تهران، المعی، ۱۳۸۰.
- ۱۰- قرآن کریم
- ۱۱- قابوس بن وشمگیر، عنصر المعالی کیکاووس، قابوس نامه، به اهتمام یوسفی، غ انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴.
- ۱۲- وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، اخلاق پزشکی به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی، چاپخانه سپهر، ۱۳۷۰.
- ۱۳- کلیات سعدی، سعدی، با تطبیق نسخه ی محمد علی فروغی، تهران، انتشارات نگاه، ۱۳۷۲
- ۱۴- تحفه الواقین، خاقانی شروانی، حواشی و تعلیقات دکتر یحیی فریب، تهران، چاپ سپهر ۱۳۵۷

### پانویسها:

- ۱- پیامبر اکرم (ص)، طب امام صادق (ع) ص ۱۷ به نقل از کتاب تاریخ اخلاق پزشکی ص ۱۰۰. اصول کافی ج ۱ ص ۳۷ در شرح حدیث
- ۲- لیلی و مجنون ص ۴۷
- ۳- کلیله و دمنه، ص ۴۴
- ۴- همان صفحه ۴۶
- ۵- سفینه البحار ج ۷۸ ص ۲۳۵ به نقل از تاریخ اخلاق پزشکی ص ۱۲۷
- ۶- استثناء: همان عبارت ان شاء الله... است.
- ۷- قسوت: غفلت سخت، قساوت
- ۸- مثنوی ابیات ۴۹ و ۵۰
- ۹- مثنوی بیت ۴۶
- ۱۰- مثنوی بیت ۴۷
- ۱۱- مثنوی ابیات ۴۸، ۵۱، ۵۳، ۵۴
- ۱۲- همان انشاء...
- ۱۳- بطور: سرمستی و غرور
- ۱۴- سرکنگبین دافع صفرا است
- ۱۵- هلیله میوه درختی است که روان کننده مزاج است
- ۱۶- ذخیره خوارزمشاهی ص ۱۷
- ۱۷- چهارم مقاله ص ۱۰۶
- ۱۸- همان ص ۱۰۶، ۱۰۷
- ۱۹- سوره اسری، آیه ۸۴
- ۲۰- چهارم مقاله ص ۱۰۹
- ۲۱- چهارم مقاله ص ۱۳۲
- ۲۲- مثنوی بیت ۴۵
- ۲۳- مثنوی ابیات ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۶۰





- ۳۳- سوگندنامه تنظیمی توسط معاونت امور فرهنگی وزارت بهداشت، درمان و آموزش به نقل از اخلاق پزشکی به انضمام نقدی از تاریخ پزشکی ص ۳۷۹
- ۳۴- مثنوی ابیات ۱۰۶-۱۰۴
- ۳۵- مثنوی ابیات ۱۴۶-۱۴۴
- ۳۶- پندنامه اهوازی به نقل از تاریخ اخلاقی پزشکی ص ۱۸۹
- ۳۷- رک به ص ۵
- ۳۸- مثنوی ابیات ۲۲۵۳ و ۲۲۵۴
- ۳۹- تحفه العراقین ص ۵۶
- ۴۰- کلیات سعدی ص ۳۲۹
- ۲۴- سوره بقره، آیه ۳۳
- ۲۵- سوره غافر، آیه ۶۰
- ۲۶- مثنوی ابیات ۶۱، ۶۲
- ۲۷- مثنوی ابیات ۶۵، ۶۶، ۶۸
- ۲۸- مثنوی ابیات ۷۸، ۹۰، ۹۱
- ۲۹- چهار مقاله ص ۱۰۶
- ۳۰- همان ص ۱۰۶
- ۳۱- قابوس نامه ص ۱۸۱
- ۳۲- سوگندنامه دانشکده پزشکی تهران به نقل از تاریخ اخلاق پزشکی ابوتراب نفیسی ص ۱۸۸